اشکال مرحوم نراقی، در کتاب «قرة العیون»، بر وحدت وجود و تشکیک آن

همچنین بحثی در مورد ممازجت ماهیت و وجود شد که آیا ممازجت دارند یا ندارند. مبنای اصالت الوجود، در جلسه‌ی قبل گفته شد و بحث‌های خوبی است. در فضای مباحثات کلامی، فلسفی، حکمی، عرفانی، این‌ها مبانی‌ای است که به گمانم قابلیت این را دارد که هر طلبه‌ای روی آن فکر کند. قبلاً هم مباحثه می‌کردیم و سؤالات متعددی داشتم. این جمله را مکرر عرض کرده‌ام: ما به‌عنوان یک طلبه‌ای که درس می‌خواندیم، کلاس می‌رفتیم، در بیانات اساتید بر ذهن ما مراحلی طی می‌شد؛ در آن مراحل سوالاتی برای ما پیش می‌آمد که گاهی آن سؤالات حل می‌شد و گاهی حل نمی‌شد. همین‌طور دغدغه‌مند رفت‌وبرگشت داشتیم تا ببینیم چه می‌شود. در طول سال‌ها بعضی از سؤالات ما مستقر شد. مبانی دیگری به ذهن ما آمد. یکی از آن‌ها همین مبانی اوسعیت نفس‌الامر از وجود بود. درست یک سیستم معرفتی را تغییر می‌داد. کمکم از آن صحبت کردیم؛ در سال‌های مختلف.

به گمانم این مبنا، از آن مبانی‌ای است که اگر هر طلبه‌ای روی آن کار کند، می‌ارزد. اما این‌که این درست هست یا نیست؟ مکرر عرض کرده‌ام که ما ادعای این‌که اهل فن هستیم، نداریم. ما می‌گوییم به کلاس رفته‌ایم و اساتید مطالبی را فرموده‌اند و به ذهن ما سؤالاتی آمده است. اگر طرح سؤال کاشف از عنادی باشد، بد است، اما اگر طرح سؤال، کاشف از این باشد که در این‌جا باید مطلب واضح شود، بد نیست. ما سؤال‌مان را می‌گوییم و اساتید فن جواب می‌دهند. ذهن ما از فهم حرف آن‌ها کوتاه بود، خُب ما نمی‌فهمیم. کسانی که به ذهن‌شان می‌آید که جواب را می‌فهمند؛ هم سؤال را فهمیده‌اند و هم جواب اساتید را فهمیده‌اند. ان شاء اللّٰه که این‌طور نباشد و ما هم بفهمیم. اما اگر سؤال، سؤال عمیقی باشد گاهی می‌بینید جواب اساتید هم هنوز مجال را برای فکر باز می‌گذارد، این جا است که بحث دارد جلو می‌رود. یعنی این‌طور نیست که بگوییم «لیس وراء عبادان قریة»؛ یعنی علم در فضای تحلیل‌های علم حصولی تمام شود. این حاصل‌ِعرض بنده است. پس ادعای ما نیست که چیزی بلد هستیم، ادعای ما این است که وقتی درس می‌خواندیم، این سؤال در ذهن ما آمده است. این سؤالات این‌چنین مستقر است و باید حل شود و لذا عرض کردم خود اصالت وجود و ماهیت که در جلسه‌ی قبل صحبت شد، وجوهی دارد. واژه‌های آن و مطالبش [وجوهی دارد]. همین مطالب هم تاریخی دارد. مثلاً پیرامون خود تشکیک وجود، که در جلسه‌ی قبل از آن صحبت شد، صاحب اسفار، در ابتدا، تشکیک در مراتب را مطرح می‌کند تا بحث را فلسفیاً جلو ببرد. خُب، تا زمان مرحوم میرزا علی نوری در اصفهان، هنوز این مبنا مستقر نبود. جلوتر هم عرض کردم که ملّا مهدی نراقی، معاصر مرحوم نوری است، ملّا مهدی جامع بوده است؛ آدم بسیار بزرگی است. جامع همه‌ی علوم است. ایشان کتابی دارد به نام «قرة العیون». شاید اگر پنجاه یا صد سال بعد از میرزای نوری بودند، طور دیگری بحث می‌کردند؛ چون فضا عوض شد. ولی چون ایشان در آن فضا بوده است، محکم وارد می‌شوند و تمام استدلالات صاحب اسفار را بر وحدت حقیقت وجود و تشکیک مراتب وجود جواب می‌دهد و در آخر کار، دوباره به قول مشاء بر می‌گردد که وجودات حقایق، متباینه هستند. برای خودش کتابی است. مرحوم آقای آشتیانی هم تعلیقه زده‌اند و چاپ کرده‌اند.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 15:25:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 فوریه 2024 14:30:32 توسط ... .